

MISAGHE AMIN
A Research Quarterly on the
Religions and Sects
Pre - Number Issue 1, Winter 2007

میثاق امین
فصلنامه پژوهشی اقوام و مذاهب
صفحات ۲۲۱ - ۲۲۸
پیش‌شماره اول، زمستان ۱۳۸۵

گزارش توصیفی از کتاب تاریخ فرق اسلامی

حسین آشوری*

چکیده

در پی اهداف تعیین شده، در هر شماره از فصلنامه میثاق امین به نقد و بررسی و معرفی منابعی که با سمت و سوی فصلنامه همراه است خواهیم پرداخت. در این شماره به معرفی کتاب حاضر، که فرقه‌های شیعی و غیرشیعی را بررسی کرده، مبادرت شد. امید است مورد استفاده دانشمندان به ویژه فرقه‌نگاران قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* حسین آشوری (۱۳۳۷ -) دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه و پژوهشگر در علوم و معارف اسلامی است. از وی در جراید کشور مقالاتی به چاپ رسیده است و هم اکنون در مرکز تحقیقات طب اسلامی امام صادق (ع) مشغول به تحقیق است.

حسین صابری، تاریخ فرق اسلامی، چاپ اول: تهران،
سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
ج ۲، ۱۳۸۳ ش.، ج ۱، ۴۵۶ ص، ج ۲، ۳۸۴ ص، وزیری.

خداوند چنین مقدر کرده بود که آخرین پیامبرش را از میان قومی بدوی و بالیده در طبیعت خشن و بی‌آب و علف و دارای سرشتی بی‌آلایش، برگزیند. چرا که هر چه انسان‌ها به تمدن نزدیک‌تر باشند و در شهرها و اجتماعات بزرگ زندگی کنند، افکارشان پیچیده‌تر شده و سوالات بیشتری در ذهنشان خلجان می‌کند و هر چه از این اجتماعات دورتر باشند، ساده‌تر خواهند بود. قومی که پیامبر از میانشان برانگیخته شده چنین قومی بودند و لذا در ابتدا پرسش فرا رویشان نبود. از طرفی آنان قرآن و تفسیرش را که جامع‌ترین کتاب زندگی بود از صاحب اصلی آن یعنی پیامبر (ص) می‌شنیدند. هنوز اسلام منحصر در همان سرزمین وحی بود و آیات جهاد نازل نشده و مسلمانان در درون جزیره العرب با وحدت و یکدلی زندگی می‌کردند و طبیعی بود که اختلاف و تشتت در میانشان نباشد.

اما دیری نپایید که اسلام و مسلمانان از محیط وحی خارج شدند و کشورگشایی‌ها و فتوحات پی‌درپی، آنان را با تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف روبه‌رو کرد. اهداف و انگیزه‌های سیاسی و ... بر پیچیدگی اوضاع افزود و باعث ایجاد گروه‌های مختلف گردید که هر یک از این دسته‌ها بر حقانیت خویش دلیل‌هایی آوردند و بر فعالیت خود افزودند و با ترفندهای مختلف، عده‌ای را به دنبال خویش کشیدند و طرفدارانی را در میان مردم و یا صاحبان قدرت و سیاست پیدا کردند. گاهی بعضی از فرقه‌ها رو به افول نهادند و گاهی نماینده دین و میدان‌دار اصلی شدند.

نوشتار پیش رو معرفی کتاب آقای حسین صابری در تاریخ فرق اسلامی است. او انگیزه خویش را از تألیف کتاب چنین بیان می‌دارد: «چون در بیشتر مطالعات انجام یافته در تاریخ فرق اسلامی، گرایش و داوری‌های نگارنده در گزارش‌های تاریخی بی‌تأثیر نبوده و نگارنده در لابه‌لای مطالب تاریخی خواسته است فرقه مورد نظر خود را از دیگر فرقه‌ها متمایز کرده و باطل بودن فرقه دیگر را اثبات کند و این خود آفتی است که از ارزش گزارش‌ها و تحلیل‌ها می‌کاهد، اما من سعی کرده‌ام در تألیف این کتاب در گزارش‌ها و تحلیل‌ها، بی‌طرفی را انتخاب نمایم تا خوانندگان از رهگذر مطالعه این اثر به برداشتی کلی دست یابند.»^۱

۱. حسین صابری، تاریخ فرق اسلامی، ص ۱۲.

کتاب حاضر در دو مجلد سامان یافته است: جلد اول در چهار بخش و شانزده فصل و جلد دوم در هفت فصل است. در هر فصل و در بررسی هر یک از فرقه‌ها، افزون بر مقدماتی چند در نام‌گذاری فرقه مورد بررسی، به سیر تحول و پیدایش و دگرگونی‌های آن فرقه پرداخته و سپس گزارشی کلی از اندیشه و تفکرات آن فرقه را فرا روی مطالعه‌کننده نهاده و سرانجام به تاریخ اندیشه‌وران، مشاهیر و افراد تأثیرگذار آن فرقه و انشعاب‌های درونی آن نگریسته شده است. از آنجا که کتاب حاضر عمدتاً مورد استفاده دانشجویان قرار می‌گیرد، در پایان بسیاری از مباحث، به شماری از منابعی که در تحقیق و مطالعه، از آنها بیشتر بهره گرفته شده و در آن مبحث نیز اجمالاً مورد استفاده قرار گرفته، اشاره شده است. به علاوه در کتاب‌نامه به ۲۹۲ ارجاع داده شده که نشان از دقت و تحقیقات گسترده مؤلف در نگارش این کتاب می‌باشد. پایان‌بخش کتاب، نمایه آیات، احادیث، اشخاص، اماکن، قبایل، فرقه‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌هاست.

فصل اول کتاب، که به عنوان درآمد و مقدمه است، درباره فرقه‌های اسلامی، بسترها و زمینه‌ها می‌باشد. در این مقدمه در تعریف فرقه آمده است: فرقه، یعنی گروه یا دسته‌ای از مردم که خواست و عقیده دینی مشترک یا برداشت مشترکی از دین دارند و به رغم وحدت نظر با هم‌تایان خود در کلیات دین و مباحث دینی، در پاره‌ای از مسائل و جزئیات کلامی و عقیدتی با آنان اختلاف یافته‌اند.^۱ سپس از آنجا که کتاب درباره فرقه‌های اسلامی است نویسنده برای اینکه روشن کند چه فرقه‌ای را می‌توان با صفت «اسلامی» وصف کرد و چه فرقه‌ای را نمی‌توان، علاوه بر تعریف عبدالقاهر بغدادی در کتاب *الفرق بین الفرق*^۲ دو مشخصه یا دو تعریف از فرقه اسلامی بیان می‌کند:

۱. به هر فرقه‌ای که به یگانگی خداوند و نبوت حضرت محمد(ص) عقیده داشته باشد، فرقه اسلامی می‌گویند. این مطلب در روایات فراوانی از اهل سنت آمده و در منابع شیعی نیز تأیید، و در فقه هم صرف‌نظر از اختلاف در جزئیات، پذیرفته شده است.

۲. هر گروهی که در محیط مسلمانان و با نظر به باوری از باورهای مسلمانان شکل گرفته باشد و ترسیمی خاص از این باور به دست بدهد خواه این باور واقعاً درست باشد و خواه نادرست. بنابراین، دامنه فرقه‌های اسلامی وسعت می‌یابد هر چند که در نزاع‌های کلامی به یک‌دیگر برچسب کفر و نامسلمانی بزنند.

۱. همان، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۱۳ و ۱۴.

در مورد آغاز اختلاف و شکل‌گیری فرقه‌ها چنین آمده: علاوه بر اختلاف‌هایی که در حیات پیامبر(ص) وجود داشته، مثل شبهه‌های منافقان و یا اصل تشکیل گروهی به نام منافقان که قرآن نیز از آن نام برده^۱ و اختلاف خلیفه دوم بر سر نوشتن مکتوبی توسط پیامبر(ص) در روزهای بیماری آن حضرت،^۲ اشعری نخستین اختلاف فرقه‌ساز در تاریخ امت اسلامی را پس از رحلت پیامبر(ص)، اختلاف بر سر جانشینی آن حضرت دانسته است.^۳ شهرستانی نیز گفته است که در اسلام بر سر هیچ مسئله‌ای به اندازه اختلاف بر سر جانشینی پیامبر(ص)، شمشیر کشیده نشده است.^۴ پس از آن نیز اختلاف‌هایی چون اختلاف بر سر فدک، اختلاف در برخورد با مدعیان دروغین نبوت، اختلاف درباره مرتدان به وقوع پیوست و به تدریج نزاع سیاسی، کلامی درآمیخت. مثل نزاع در برخورد با عملکردهای خلیفه سوم و چگونگی برخورد با مخالفان علی(ع) در دوران خلافت آن حضرت و تشکیل گروه خوارج در همین زمان و برخورد آن حضرت با آنان، که از عوامل مؤثر در تشکیل گروه‌ها بوده است از این رو به طور کلی می‌توان به دو عامل برون دینی و درون دینی اشاره کرد:

عوامل برون دینی: یعنی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی که به طور مستقیم به اصل دین بازمی‌گردد و بیشتر به تأثیراتی مربوط است که بیرون از آموزه‌های دینی بر جامعه دینداران اثر می‌گذارد که این عوامل عبارتند از: ۱. بسترها و اهداف سیاسی - اجتماعی، ۲. امامت و رهبری، ۳. پیوند با دیگر ملت‌ها و تأثیر اندیشه‌های غیر اسلامی، مانند اندیشه‌های عرب پیش از اسلام، آیین یهود، آیین مسیحیت، اندیشه‌های یونان، اندیشه‌های ایرانی و هندی، ۴. عوامل انسانی، ۵. عوامل اقتصادی.

عوامل درون دینی: مقصود از آن زمینه‌های فکری و کلامی است به طوری که می‌توان ادعا کرد که بسیاری از این فرقه‌ها و گروه‌ها از تفسیرها و برداشت‌های متفاوت از متون دینی نشأت گرفته است.

مغنیه در این باره می‌نویسد: غالباً هر عقیده‌ای آن هنگام که برای نخستین بار رخ می‌نماید کلاماً ساده و بسیط است به گونه‌ای که برای فهمیدن آن به تعمق و مقدمات نظری نیازی

۱. سوره منافقون.

۲. شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۲۱.

۳. اشعری، مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۳۹.

۴. شهرستانی، پیشین، ص ۲۴.

نیست، اما با گذشت زمان گروهی از پیروان عقیده به تفسیر و شرح آن از رهگذر گفته‌ها و نظریه‌ها می‌پردازند و همان قداست و مصونیتی که اصل عقیده دارد به این گفته‌ها و نظریه‌ها نیز می‌دهند و مخالفان آنها را درست به سان کسی که با کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) مخالفت ورزیده باشد به کفر و الحاد متهم می‌کنند.^۱ از طرفی متون دینی ما اعم از کتاب و سنت دارای متشابهات است که این متشابهات یکی از زمینه‌های بروز اختلاف و برداشت‌های متفاوت از متون می‌گردد. مسلمانان اولیه در برابر این متشابهات، به ظاهر بسنده می‌کردند و اهل نظر هم دخول در این امور مبهم را مصلحت نمی‌دانستند و پرسش از آن را نیز بدعت می‌دانستند، اما همان طوری که احمد امین می‌گوید: با گذشت زمان و رویارویی صاحب‌نظران مسلمان با صاحبان اندیشه دیگر ادیان و شبهات آنها، ناچار از پاسخ‌گویی شدند و دیگر اینکه در هر جامعه دیندار، در عرصه سیاست و دانش و فلسفه و دین، دو جناح محافظه‌کار و آزاداندیش شکل می‌گیرد که محافظه‌کاران از مرز ظاهر متون فراتر نمی‌روند، اما آزاداندیشان گام فراتر می‌نهند و عقل را بر ظاهر متون حاکم می‌سازند. حاصل عملکرد این دو جناح در عرصه عقاید و کلام، نتیجه این دو نگرش در میدان فقه و شریعت است که دو گروه اهل رأی و اهل حدیث را پدید آورده است.^۲ به هر حال، حاصل اختلاف این دو جناح و اختلافات آنها در بعضی از مسائل، جناح‌ها و فرقه‌های مختلف است.

در مورد فرقه ناجی، هر گروهی معتقد است که او تنها گروه نجات یافته است و بقیه باطل: اهل سنت خود را ناجی می‌بینند و شیعه معتقد است چون پیرو اهل بیت هستند نجات یافته‌اند و معتزله خود را برحق می‌دانند که صحت و سقم آن به عهده کتاب‌های کلامی است.

اما درباره تعداد فرقه‌ها باید گفت تعداد فرق مسلمانان بستگی به تعریفی است که از فرقه‌های اسلامی می‌شود و همین مطلب، بستگی به نگاهی دارد که به وحدت هفتاد و سه ملت می‌شود. اما به طور کلی نمی‌توان تعداد فرق را در این عدد محصور کرد. در تقسیم‌بندی فرق، تعدادی فرقه اصلی است که فرقه‌های فرعی دیگر از آن منشعب می‌گردند که در این میان ملطی، تعداد فرقه‌های اصلی را شش،^۳ اشعری ده^۴ و بغدادی ده دسته می‌داند.^۵ و نگارنده کتاب،

۱. مغنیه، الشیعة و التشیع، ص ۲۹.

۲. احمد امین، ضحی الإسلام، ص ۱۷ و ۱۸.

۳. ملطی، التنبیه و الرد، ص ۹۱.

۴. اشعری، پیشین، ص ۶۵.

۵. بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۵.

فرقه‌های اصلی را در پنج گروه سامان می‌دهد:^۱

گروه یکم فرقه‌های نخستین، که مقصود از این گروه آن دسته از فرقه‌هایی که در دهه اول رحلت پیامبر(ص) و در پاسخ به آغازین پرسش‌های کلامی، رخ نموده است و فرقه‌های مرجئه، قَدْرِيه، جَهْمِيه و اهل حدیث را در بر می‌گیرد.

گروه دوم مکتب کلامی اعتزال، که از آن به عنوان فرقه‌های معتزله و جَهْمِيه یاد شده و نماینده جریان خردورزی در برخورد با متون و آموزه‌های دینی است و نخستین صورت تکامل یافته کلام دینی در جامعه مسلمانان است.

گروه سوم مکتب کلامی اهل سنت، مقصود از آن مسلک‌های کلامی است که با تکیه بر میراث اندیشه دینی معتزله و از رهگذر آمیزش این میراث با انگاره‌های اهل حدیث و با رویکردی معتدلانه‌تر بر متون دینی، رویاروی جریان فکری اعتزال شکل گرفته است و فرقه‌های اشاعره، ماتریدی و طحاویه را شامل می‌گردد.

گروه چهارم خوارج، که حزبی سیاسی است.

گروه پنجم شیعه، که به مفهوم عام آن و به عنوان نخستین جنبش سیاسی و مکتب کلامی مستقل به آن نگریسته می‌شود و شاخه‌های کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه، اثنا عشریه، غالیان و واقفه را شامل می‌گردد.

اما مباحث کتاب: جلد اول به طور خلاصه چنین تنظیم شده است: فصل اول که به عنوان مقدمه، گزارش آن به طور مبسوط گذشت.

بخش اول، فرقه‌های نخستین در پنج فصل و شامل فرقه‌های قدریه (فصل دوم، ص ۵۵ - ۶۴) جَهْمِيه و فرقه‌های منشعب از آن (فصل سوم، ص ۶۵ - ۸۳)، مشبهه (فصل چهارم، ص ۸۵ - ۹۳) و مرجئه و فرقه‌های منشعب از آن (فصل پنجم، ص ۹۵ - ۱۱۶).

بخش دوم، مکتب اعتزال در سه فصل ارائه شده است: معتزله، سپیده دم اندیشه فلسفی (فصل ششم، ص ۱۱۹ - ۱۵۰)، اندیشه معتزلی، رویکرد خردورزانه به دین (فصل هفتم، ص ۱۵۱ - ۱۶۰) و فرقه‌ها و طبقات مشاهیر معتزله (فصل هشتم، ص ۱۶۱ - ۲۰۸).

بخش سوم، مکتب کلامی اهل سنت که در برابر مکتب خردورزانه معتزلی شکل گرفته است و شامل پنج فصل، با سر فصل‌های کلام اهل سنت، نخستین تلاش‌ها (فصل نهم، ص ۲۱۱ - ۲۲۷)،

۱. حسین صابری، پیشین، ص ۴۳.

اشاعره نماینده کلام اهل سنت (فصل دهم، ص ۲۲۹ - ۲۸۴)، طحاویه (فصل یازدهم، ص ۲۸۵ - ۲۹۲)، ماتریدیه (فصل دوازدهم، ص ۲۹۳ - ۳۰۵) و کرامیه (فصل سیزدهم، ص ۳۰۷ - ۳۱۶). بخش چهارم، خوارج که در سه فصل تنظیم یافته است و شامل فصل‌های خوارج، از حزبی سیاسی تا فرقه‌ای کلامی (فصل چهاردهم، ص ۳۱۹ - ۳۳۷)، اندیشه‌ها و مشاهیر خوارج (فصل پانزدهم، ص ۳۳۹ - ۳۴۶) و فرقه‌های خوارج (فصل شانزدهم، ص ۳۴۷ - ۳۸۲). جلد دوم، در فرقه شیعی و فرقه‌های منسوب به شیعه در هفت فصل تنظیم گشته است. با عناوین و سرفصل‌های کلیاتی درباره تشیع (فصل اول، ص ۱۵ - ۳۳)، کیسائییه (فصل دوم، ص ۳۵ - ۶۱)، زیدیه و فرقه‌های منشعب از آن (فصل سوم، ص ۶۳ - ۱۰۴)، اسماعیلیه (فصل چهارم، ص ۱۰۵ - ۱۷۴)، اثنا عشریه (فصل پنجم، ص ۱۷۵ - ۲۵۸)، غالیان و فرقه‌های منشعب آن (فصل ششم، ص ۲۵۹ - ۲۹۴) و واقفه (فصل هفتم، ص ۲۹۵ - ۳۰۷). اما از آنجا که هیچ نوشتاری بی‌عیب نیست و گزارش توصیفی کتاب به درازا کشید، لذا نقد و بررسی آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم.



پښتانه
پښتانه
پښتانه